

# باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی  
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور  
بخش خاورمیانه

« جریده باختر امروز »  
نشرة  
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية  
في الشرق الاوسط  
العدد خمس والثلاثون  
آذار ۱۹۷۳  
المرحلة الرابعة

بنا باخترين اخبار رسیده دامنه تظاهرات و اعتصابات دانشجویان علیه خرید ۳ بیلیون دلار اسلحه و سیاست نفتی شاه که از دانشکده فنی تهران شروع شده بود بسرعت در بقیه دانشکدهها و دانشگاههای ایران توسعه پیدا کرده است . چندین دانشکده پس از امتناع دانشجویان از شرکت در کلاسها تعطیل شدند . دانشجویان دانشگاه جندی شاپور خورستان دست باعصاب زده و شایع است که یک دختر دانشجو کشته شده است . در دانشگاه تبریز دانشجویان از رفتن بکلاسها خودداری میکنند و در مقابل تهدید و سپس حملات پلیس با سرسختی مقاومت نموده و رئیس دانشگاه را بگروگان میگیرند . در طی تیراندازی که بدنبال این عمل انجام گرفت حداقل ۴ نفر و بقولی ۶ دانشجو کشته شدهاند دانشگاه فنی ، دانشکده طب ، پلی تکنیک و دانشگاه آریامهر نیز بدفاع از دانشجویان تبریز اعتصاب کرده و تعداد قابل ملاحظه ای دستگیر شدهاند .  
نیمه دوم اسفند - ۱۳۵۱

شماره ۳۵ - سال سوم دوره چهارم

## از سیاهگل تا امروز

ایجاد جو سیاسی - جلب عناصر آماده به تشکیلات - اثبات امکان مبارزه - بردن عنصر مبارزات مسلحانه و اصل آشتی ناپذیری باز دیگر بمیان مردم و طرح جدی آن از دست آوردهای مبارزات مسلحانه پیشاهنگان انقلابی میهن ماست .

### اطلاعیه سیاسی - نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران

«بریدون لیطفنوا نور اله بافواهم واله متم نوره ولو کره الکافرون» سوره صف - ۸ دشمنان خدا و خلق تلاش میکنند که نور خدا را با دهنایشان خاموش کنند در حالیکه خداوند نورش را در همه جا خواهد گسترده اگر چه این برای دشمنان ناخوشایند باشد !

### غرش بمبها شکست ضد انقلاب را نوید میدهد

شامگاه روز چهارشنبه ۱۱-۱۱-۷۳ / ۲۴-۱-۷۳ بمبهای ساعتی نیرومند مجاهدین تأسیسات غارتگران داخلی و خارجی را بلرزه در آورد و خسارات قابل توجهی وارد آورد :

- اولین بمب در ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه همین شب ساختمان سازمان برنامه را در حوالی سه راه ژاله بلرزه در آورد که منجر شکستن پنجرهها و درهای ورودی تمام شیشههای آن شد .
- دومین بمب یکربع بعد یعنی در ساعت ۹ همین شب ساختمان کمپانی کالای تجاری فیروز را در خیابان جیحون - که متعلق به ثابت پاسال سرمایه دار غارتگر صهیونیست و وابسته با اسرائیل است - بلرزه در آورد که در و پنجرههای آنرا در هم شکست .
- سومین بمب با پنج دقیقه اختلاف یعنی در ساعت ۹ و ۵ دقیقه ساختمان کمپانی رادیو تلویزیون (آر - تی - آی) امریکا را که متعلق بهمان ثابت پاسال است در خیابان جیحون بلرزه در آورد که خسارات مالی قابل توجهی وارد آورد .
- چهارمین بمب در ساعت ۹ و ربع همین شب در دفتر شرکت هواپیمائی آمریکائی (بان آمریکن) واقع در خیابان ویلا منفجر شد که منجر بخرد شدن در و پنجره ها و اشیاء داخل آن گردید .
- صبحگاه روز جمعه ۱۱-۱۱-۷۳ / ۲۶-۱-۷۳ بمبهای ساعتی نیرومند دیگری در تأسیسات دشمنان خلق کار گذاری شد که خسارات دیگری را در پی داشت :
- پنجمین بمب نیرومند در ساعت ۸ صبح همین روز که در ساختمان محل شرکتهای بازرگانی کمپانیهای نفتی (شل - لوان - فلات قاره ۰۰۰) در خیابان بلوار کار گذاری شده بود ، منفجر شده و خسارات قابل توجهی بساختمان آن وارد آورد .
- ششمین بمب در ساعت ۸ و ۱۰ دقیقه صبح همین روز در ساختمان محل کمپانی مس سرچشمه که متعلق به غارتگران انگلیسی است بوسیله بمب بسیار نیرومندی درهم شکست که منجر بسوراخ شدن دیوار ساختمان و فرو ریختن یکی از دیوارهای ساختمان کمپانی شد و علاوه بر این کلیه شیشهها و در و پنجرههای آنرا در هم شکست . شدت انفجار بعدی بود که منجر به خورد شدن در و پنجره تمام بقیه در صفحه ۴

انکسار اعمال قهر ارتجاع ، سریع و بدون واسطه ممکن نبود .  
اوائل سالهای ۴۰ تجربیات مبارزات ناموفق در اساس مورد تحلیل و جمع بندی آگاه ترین و مقاوم ترین عناصر مبارز قرار گرفت . این مبارزان از نظر معرفتی، دیدگاههای مختلفی را نمایندگی میکرد و با اسلوب و بینش مختلف بتحلیل گذشته پرداخته بودند . واقعیات گذشته و نتیجه آن و درس تاریخی سالهای سال چنان عظیم و غیر قابل انکار بود که این عناصر صمیمی را با اینکه دارای دیدگاههای مختلف بررسی بودند ، بربک اصل متحد میکرد و آن عدم امکان ادامه مبارزه باشعارها و شیوههای گذشته بود . در این زمان برای همه مبارزان پیشرو این مسئله مطرح بود که مبارزات گذشته در زمان خود مترقی و ضروری بوده ولی ادامه آن نه تنها در شیوهها بلکه همچنین در ارکان اساسی نفی شده است ، عبارت دیگر برگشت بگذشته از نقطه نظر تاریخی ممکن نیست و کشیدن توده مردم بان راه و بان شیوه ارتجاعی است .  
بقیه در صفحه ۲

## اخبار

توضیح زیر از انقلابیون ایران در مورد اعدام انقلابی ژنرال پرایس ، مستشار امریکائی رسیده است : روزنامههای عصر تهران در ۱۱ خرداد ۵۹ ضمن اشاره به بمب گذاری انقلابیون از جمله نوشتند که یک زن و دختر نیز در اثر انفجار بمب انقلابیون کشته شده اند . ۰۰۰ توضیح اینکه این زن و دختر پس از انفجار ماشین پرایس در کنار ماشین محافظین او در حرکت بودند . از طرف محافظین امریکائی از ترس اینکه اینها نیز ممکن است جزو انقلابیون باشند و با پوشش زن چادری قصد حمله با آنها را دارند ، مسورد اصابت گلوله ای مسلسل قرار گرفتند و کشته شدند . عین این گزارش در پرونده محرمانه شهرانی نیز بهمین صورت منعکس شده است . اگر به عکس صفحه اول روزنامهها در آن تاریخ توجه شود ، خوب معلوم است که در اثر انفجار بیش از هشت کیلوگرم ماده منفجره ، آن زن بانصورت سالم کنار ماشین بر جای نماند . در حالیکه از تیر چراغ برق تنها یک میله آهنی بیج در بیج مانده است که در عکس روزنامه مشاهده میشود . همچنین باید یاد آور شویم که دستگیری دو نفر در این حادثه دروغ است .  
بقیه در صفحه ۴

انکسار دو سال از حمله به پاسگاه سیاهگل میگردد . بدنبال آن عملیاتی در شهرهای ایران آغاز شد که فرم جدیدی از اعمال قهر علیه ارتجاع را برای همه مبارزان این مطرح ساخته و مضمون جدیدی را عرضه مینماید ضروری است یکبار دیگر روند مبارزات در این دو سال نقادانه مورد بررسی قرار گیرد و سالگرد نبرد سیاهگل فرصتی مقتضی است .  
تدارک جنگ چریکی شهری در ایران در چه جو سیاسی آغاز شد ؟

کودتای ۲۸ مرداد بیک سلسله از مبارزات در محتوی خواستها و اشکال آن پایان داد سلطه ترور و اعمال قهر ارتجاعی بایر حمانه ترین شکل تظاهر کرد . امپریالیستها بکمک آماده ترین پایه قدرتشان، دربار پهلوی ، بدرهم شکستن مقاومت مردم پرداختند . سازمانها و تشکیلات سیاسی در آزمون چه بخاطر محتوی و جهت مبارزاتشان و چه از نقطه نظر شیوه های کار سیاسی آمادگی و مقاومت در مقابل این فشار تدارک دیده شده را نداشته و از هم پاشیده شدند . زمینه مبارزه بخاطر آزادیهای دموکراتیک و کشیدن تودهها بمبارزات علنی ضد استعماری روز بروز تنگتر میشد . با هر کوشش تودههای مردم برای مقاومت ، فشار ترور افزایش می یافت و با هر فروکش، ارتجاع سلطه پلیس خود را گسترش میداد . شیوهها و اهداف مبارزات گذشته دیگر نه در فرم و نه در مضمون مبارزه ، حفاظ و پوششی کافی برای اقبال طبقات در تضاد با امپریالیسم و حکومت دست نشانده شاه نبود و امکان نداشت بجلب وسیع و وسیع ردهها موفق شود . در سالهای حکومت امینی که رژیم با بحران اقتصادی روبرو بود ، آخرین چرخش عقب سازمانهای سیاسی و آخرین امتحان دست پریشان بهمان شیوه و طرز کار گذشته ، آخرین کوشش وسیع مردم در جهت مبارزات «قانونی» علنی انواستهای دموکراتیک بود .

عصیان کم نظیر یازدهم خرداد ۴۲ و درهم شکستن خونین آن ، آخرین هشدار باش تاریخی بهمه ناصر و سازمانهایی بود که بقایای گذشته را بخود سل میکنند و خواب «دوران طلانی» بازگشت مبارزات ضد امپریالیستی و توده ای بفرم سابق را پرورند . در واقع ۲۸ مرداد می بایست بروشنی علم تاثیر آن سلسله از مبارزات را در آینده و در صورت نماندن آن بدون توجه بعوض شدن شرایط شکست آرا نشان داده باشد ، لیکن از آنجائیکه یک واقعه سریع برای آموزش تاریخی کافی نیست و شرکت کنندگان در مبارزات گذشته از اقبال و طبقات مختلف جهت و طرز تفکر مبارزاتی و در نتیجه امکان تحلیل ارضی متفاوت بودند و تحت تاثیر اعتماد برهبری سلف و پیروزیهای درخشان مبارزات قرار داشتند ،

### بقیه - از سیا هکل تا امروز

تغییر و تحولات زمینه مادی جامعه و دست‌یابی هرچه بیشتر تنوریک به جنبش‌های علمی و انقلابی و پرورش معرفتی و تجربه اندوزی و تعمیق شناخت در پروسه مبارزه، اساس این دستاورد بزرگ بود. در چنین شرایطی که مرحله‌های از مبارزه در سیر تاریخی نفی شده بود مرحله تدارک جدید برای جنبش آغاز شد.

تدارک برای ایجاد تشکیلات موثری با محتوی نوین که بتواند مبارزات خلق را رهبری کرده و درسیر انقلابی به پیروزی برساند. این تشکیلات تنها بر اساس و در طول مبارزات عام دموکراتیک و ضد امپریالیستی نمی‌توانست بوجود آید. گروه‌ها و سازمانهای مختلف که احتمالا اهداف مختلفی را دنبال میکردند و خود را در خدمت طبقه یا اقلیت مشخصی میدانستند می‌بایست در مبارزات طبقاتی جهان‌بینی و تحلیل‌های خود را هرچه دقیقتر مطرح سازند و باطبقه خود هم‌بندان آیند. در غیر اینصورت به محافل طرفداران مثلا طبقه کارگر بدل شده بدون پیوند و پشتیبانی طبقه براختی نابود و یا در صورت باقی ماندن منحرف گشته و اساسا نقشی نمیتوانستند داشته باشند.

برای پیوند باطبقه و اساسا در مراحل ابتدایی برای تماس با توده‌های زحمتکش و ناراضی، تنها میل و خواست عناصر آگاه کافی نیست. این میل و خواست باید در شیوه‌های مشخص کار منعکس گردد.

این شیوه‌ها باید بتوانند در جهت هدفی که در نظر گرفته شده است، یعنی پیوند با توده‌های زحمتکش و ناراضی موثر واقع شود. شک نیست که قبل از همه باید بشرايط عینی و آمادگی شرایط توجه کرد. در حالت تعادل سیستم روی آوردن توده‌های وسیع و درهم شکستن نظم حاکم وجود ندارد. بحرانهای اقتصادی بعنوان یکی از فاکتورهای بسیار مهم می‌بایست در محاسبه انقلابی بحساب آید و هیچ مبارزه انقلابی بدون توجه بشرايط عینی و نظم اقتصادی - اجتماعی حاکم دست بکار انقلابی نمیزند ولی باید مبارزات انقلابی خود را برای لحظه آماده حاضر کنند و ابتکار عمل را در دست گیرند.

اگر بپذیریم که در شرایط امروز جامعه، ضرورت و لزوم تماس و پیوند با توده‌ها بیش از پیش حس میشود، و اگر قبول کنیم که خاتمه پیروزمندانه مرحله تدارک و ورود به مرحله جدید کار انقلابی بدون برقراری این پیوند و نیروپذیری از آن غیر ممکن است و بدون حزب انقلابی، انقلاب ممکن نیست، بنابراین باید شیوه‌ها و تاکتیکهایی که در این مرحله اعمال آن ضروری و موثر است مورد بررسی قرار گیرد. جنگ چریکی شهری یکی از شیوه‌های است که مورد بحث باید قرار گیرد و مبارزات پیشفراول میهن بان برخورد جدی داشته‌اند.

چرا این شیوه پس از تحلیل اعمال شد و چرا اشکال دیگر عیدتا بکار گرفته نشد، بمیل و سلیقه مبارزان، یا آنطور که نادانان اظهار میدارند بعلت اینکه این عناصر انقلابی منشاء طبقاتی خرده بورژوازی دارند، مربوط نمیشود. این شیوه اعمال قهرآمیز مسلحانه و یا تاکتیکهای دیگر انقلابی میتواند مورد استفاده پرولتاریا و پیشاهنگامش همانگونه قرارگیرد که مورد استفاده خرده بورژوازی انقلابی قرار گیرد. تنها تحلیل و انتخاب آن در شرایط مشخص و اینکه بکار برنده درجه رابطه‌ای و درخدمت کدام طبقه چه هدفی را تعقیب میکند و آیا این شیوه و تأثیرش در خدمت طبقه مزبور هست یا نه میتواند مورد بحث باشد، نه اینکه عملیات چریکی شهری از آن خرده بورژوازی و جنگ‌توده‌های دهقانی از آن پرولتاریاست! باید توجه داشت که اگر قسمت دوم فرمول فوق صحیح هم باشد که نیست، باز عملیات مسلحانه چریکی شهری نفی جنگ‌توده‌ای مسلحانه بخودی خود نییاشد.

گفتیم که انتخاب شیوه مشخص مبارزه نه براساس میل و سلیقه بلکه با توجه بشرايط و بر اساس بینش و تحلیل استوار است. آنچه که مبارزات انقلابی پیشرو را باعمال يك تاکتیک و یا شیوه مخصوص ناچار میکند شرایط عینی و اقتضای آن شرایط است. اگر بطور مطلق تابع هر رویداد باشند بفرصت طلبی، و اگر بدون در نظر گرفتن شرایط عینی عمل کنند، به ذهنی گرائی کشانده خواهند شد. در نتیجه باید با متد علمی بشناخت پدیده‌ها کمر بندند و از دیدگاه خود و در جهت اهداف مبارزه طبقاتی با در نظر گرفتن

### شرایط فوق بان‌تخاب شیوه بپردازند. شرایطی که در آن عناصر و گروههای پیشاهنگام انقلابی دست بعملیات چریکی زدند چگونه بود؟

گفتیم که آلترناتیو گذشته در موقیعت جدید نادرست و بی تأثیر و برگشت عقب بود. با هر سرکوب جنبش مترقی مردم، ارتجاع مسلط‌تر میگشت. برنامه‌های امپریالیسم امریکا در چند کشور دیگر آزمایش شده بود در زمینهای ارتش و پلیس و همچنین طرحهای رفرمیستی پیاده میشد امپریالیستها بکمک مزدوران بومی خود تور پلیسی و اعمال قهر و ایجاد ترس را تا دهات دردمست پسین میگردند. با فعالیتی کم نظیر و صرف انرژی و مخارجی هنگفت بسرکوب هر خیزش از جانب مردم می پرداختند. باجسرای تز «ایران چیزه آرایش و ثبات» در زیر سر نیزه و تروری وحشیانه کوشش میکردند. ایران میبایست بپایگاه محکم امپریالیستهای امریکائی برای اعمال نفوذ در منطقه خاورمیانه و خلیج بدل شود. منافع سرشار سرمایه‌داری جهانی چنین حکم میکرد بر این اساس همه عملیات ارتجاعی امپریالیستها ورژیم پهلوی قابل بررسی است. مردم، اقلیت و طبقات تحت ستم، کارگران، دهاتبانان فقیر و خوش نشینها، زحمتکشان شهری و خرده بورژوازی بی‌چیز زیر سلطه وحشیانه ترور و تبلیغات چینی امپریالیستها فلج شده بودند. بسیاری از این اقلیت و طبقات در گذشته‌های که شرح آن آمد تحت فشار شدید اقتصادی و باخواستهای آزادی طلبانه بمبارزه برخاسته، سالها استقامت کرده و سختی سرکوب شده بودند. روشنفکران و دیگر عناصر آگاه و مارکسیست برای گذار از این برزخ دور افتادن توده و زمینه سازی انقلابی برای گذار پیروزمندانه از مرحله تدارک و ایجاد تشکیلات رهبری کننده انقلابی، بکار مخفی دشوار پرداختند. جمع شدن چند تن و تشکیل محفل مخفی از عناصر مطمئن و آگاه کافی نبود. این سلولها می‌بایست در دوره عمل انقلابی با یکدیگر مرتبط شوند و در آتش برخوردهای نظری گذاشته گردند. بقراری ارتباط بین گروههای کوچک هدف نبود. می‌بایست شیوه‌های موثر گذار از برزخ را یافت و یا بقول پویان با توده خود ارتباط برقرار کرد. از طرفی دیگر هرروز رژیم بالنسبه بسادگی گروههای مختلفی را «کشف» کرده به بند میکشید، در زیر شکنجه می‌کشت و یا به تبعیدگاهها کسبل میداد. شیوه جدید میبایست امر حفاظت هرچه بیشتر مبارز انقلابی را نیز در خود داشته باشد. در چنین شرایطی برای مبارزان انقلابی مسئله تبلیغ مسلحانه، تعرض و اعمال قدرت انقلابی مطرح شد. گروه جزئی و گروههای دیگر با اینکه به تهیه اسلحه پرداختند، کار اصلی را متوجه سازماندهی جلب عناصر و گسترش تشکیلات و آمادگی همه جانبه گروه برای يك درگیری دراز مدت و با برنامه کردند. قبل از آمادگی لازم این گروه دستگیر شد (شرح چگونگی دستگیری جزئی و سپس گروهی که بنام اومشهور شده‌ورد بحث مستقیم ما نیست و خود در جمع‌بندی تجریبات مورد استفاده قرار میگیرد).

تسلط ترور و وحشیانه رژیم محیط یخ‌بندان ایجاد کرده بود. برای شکستن این سطح یخ مبارزین انقلابی تدارک می‌دیدند. تغییر جو سیاسی در دستور کار پیشاهنگام قرار میگرفت و آن هم نه بشکل یک مفرضین و خرده گیران دور گسود ادعسا میکنند. نه باشلیک چند گلوله برای بیدار کردن طبقه. نه با انفجار يك بمب برای بحرکت در آوردن توده، بلکه کار تشکیلاتی درمیان توده مردم، درگیری مسلحانه هرکجا که ضرورت داشته باشد و دفاع هرآینه که تحمیل شود. همه کسانیکه عملیات مسلحانه را در شرایط مشخص شروع آن نفی میکنند و لازم نمی‌دانند، یا بکل گوئی بی معنی در مورد دهه‌سال آینده قناعت میکنند و یا اساسا زیر لوای تئوریهای علمی بجزله بردازی بسند کرده وقادر نیستند آلترناتیو عرضه کنند. وظیفه آگاهترین عناصر پیشرو از پرولتاریا و غیرپرولتاریا در چنین شرایطی چیست؟ دست بروی دست بگذارند و یا در جهت تغییر شرایط برای پیوند با توده مردم بکوشند. تجربه عملی این عناصر در محیط باتان نشان داد که باید «طلمس قنر قدرتی» دشمن را شکست، بایسد ابزار حفظ خود را داشت و ...

حال تسخه نویسان کدام تجربه انقلابی خود از کار در میان توده‌های مردم میهن ما که نتیجه دیگری

داده است را در مقابل تجربه چند ساله کار مخفی یک جنبش انقلابی میگذارند معلوم نیست. از آنجائیکه عناصر تجربی آری ندارند به تئوری بافی و سفسطه ویا تکرار مکرر آری‌های بقرض گرفته از شرایط دهها سال پیش کشورهای دیگر میپردازند ویا همچون کمیته مرکزی حزب توده بتحریف مارکس برای رد نوشته‌های چریکها پناه میبرند. در اینجا لازم میدانیم بیک نکته دیگر اشاره کنیم. اعمال قهر انقلابی بهمعنای تنها بکار بردن اسلحه در جنگ چریکی شهری نیست، يك قسمت از این اعمال قهر انقلابی در شرایط مشخص از عملیات مسلحانه تشکیل میدهد در مراحل دیگر از اعتصابات کارگری گرفته تا قیام در مرحله شکوفائی انقلاب، از سازماندهی مخفی در طبقه تا اعمال قدرت حزب همه و همه اعمال قهر انقلابی هستند و بنا براین عملیات مسلحانه چریک شهری يك جزء کوچک و ابتدائی پروسه اعمال قهر انقلابی را مشخص میکند و با کمال آن مساوی نیست. در این مرحله عملیات مسلحانه برای زمینه سازی و تغییر شرایط بنفع مبارزان انقلابی است. ضربه سیاسی بقدر قدرتی رژیم زدن و شکستن طلمس ضعف مردم در دستور کار قرار دارد در حالیکه مثلا اعمال قهر طبقه در مرحله قیام هدف درهم شکستن ماشین دولتی و بدست گرفتن قدرت را تعقیب میکند. بسیاری که بمبارزات مسلحانه امروز میهن ما برخوردی شکاکانه و نا امیدانه دارند این مساله را در نیافته‌اند. آنان تصورات ذهنی خود را بجای واقعیات می‌نشانند و برای عملیات مسلحانه در این مرحله وظایفی مانند بسیج فوری و بیدار کشیدن توده‌ها و زمینه سازی قیام مسلحانه که پس از مدتی عملیات مداوم چریکی بوقوع می‌پیوندد قائلند و سپس این تصورات را پایب نتیجه گیری خود قرار داده و باین نتیجه میرسند که عملیات مسلحانه نخواهد توانست بهدفعی خود برسد. در حالیکه اگر خواست واقعی و قیامی عملیات و پیوند آن را در نظر بگیرند و پایه تهیه گیری قرار دهند به چنین اشتباه بزرگی گرفتار نمیشوند. عملیات مسلحانه بعنوان يك تاکتیک و يك شیوه ضروری در شرایطی که بیان شد نقش آماده کردن انقلابی محیط در مرحله تدارک را تعقیب میکند، مرحله پیچیده‌ای که تبلیغ، ضربه سیاسی بدشمن زدن، تماس با توده و طبقه، سازماندهی آگاه‌ترین عناصر تا رسیدن به تشکیلات انقلابی را دربر میگیرد.

عملیات مسلحانه و ایجاد هسته چریکی همانطور که رزمندگان انقلابی در آثار خود بیان کرده‌اند در ابتدا و تا مدتها «وارد کردن ضربات سیاسی بزر دشمن» و نه وارد کردن ضربه نظامی را در دستور کار خود قرار میدهند. تشکیل هسته جنگل (سیاهکل) نیز چنین هدفی را تعقیب میکند. و اساسا همانطور که بارها در این نشریه یادآور شدیم همه کار سازمانها و گروههای رزمنده را عملیات مسلحانه تشکیل نمینهد. (برای جلوگیری از تکرار مجدد بهتر است بمقالات گذشته باختر امروز رجوع شود). بنابر آنچه که گفته شد عناصر و گروههای رزمنده بسازاندهی پرداختند. برخی از این گروهها قبل ازآنکه آمادگی ابتدایی برای درگیری بارزه را داشته باشند «کشف» شده و اعضاء آن دستگیر شدند. تا آنجا که اطلاع داریم چند سازمان و یا جمله سازمان چریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدين خلق ایران بکار سازماندهی خود ادامه دادند. هسته جنگل سازمان چریکهای فدائی خلق مدت شش ماه بشناسائی و کار در جنگلهای شمال اشتغال داشته بدون آنکه دشمن بتواند بکشف این هسته بوی شود.

بمدارک و شواهدی که موجود است هیچ از این دو سازمان فوق هنوز کار تدارکی خود را بر شروع عملیات مسلحانه با تمام نرسانده بودند که مورد حمله پلیس قرار گرفتند. سازمان چریکهای فدائی خلق پس از حمله هسته جنگل بیاسگاه سیاه مورد حمله قرار گرفت و مدتی بعد بیش از پنجاه از سازمان مجاهدين خلق ایران بدام پلیس افتادند. بعبارت دیگر پیش از آنکه خود این سازمانها را تعرض بدشمن و شروع عملیات مسلحانه را تیر کنند، زمان درگیری بوسیله ارتجاع بانان تحمیل شد در نقاب دیگر جهان بطور کلی این سازمانهای انقلابی بودند که با تعیین آغاز درگیری ویا اولین عملیات مسلحانه پس از آمادگی کامل، خود را معرفی میکرد

# گرامی باد خاطر شهیدان اسفند



البته بخاطر برخی از پیشامدها (که دلایل آن از آنها هنوز برای ما روشن نیست) در ایران آغاز عملیات بسازمانهای رزمندگان انقلابی تحمیل بیگمان این مسئله نمی توانست در قدرت آنها و شکل کار آینده شان بی اثر بماند و از طرف نمیتواند بعنوان دلیل برای صحت یا عدم صحت عملیات مسلحانه در شرایط امروز ایران بکار رود. اشتباهات تاکتیکی گروه جنگل سازمان های فدائی خلق و دستگیری وسیع رزمندگان مجاهدین باعث شد که این سازمانها قبل از آنکه کفایت و کامل، ضربات شدیدی را متحمل شوند. حمله دشمن در زمانیکه رفقای انقلابی آنرا نیت نمیکردند، رزمندگان انقلابی را با مشکلات روبرو ساخت. در چنین شرایطی مبارزات با تداوم یافت و اوج گرفت. عملیاتی مانند انقلابی فرسیو و طاهری، انفجارات در زمان یکسوم و ... مردم را هرچه بیشتر متوجه نهای انقلابی کرد و سطح یخ ارتجاع را درهم شکست. مقاومت بی نظیر این پیشاهنگان انقلابی در پای شاه و دلاوری تصور ناپذیر آنان در زمانیکه و سرخوردگی و احساس ضعف بیش از پیش آنان مردم رسوخ کرده بود امید نیروی تازه ای مردم و بخصوص عناصر سیاسی ایجاد کرد. قدر قدرتی رژیم شاه وعدم وجود اپوزیسیون خل کشور و ادعای ایران «جزیره ثبات و آرامش» شایسته فرزندان انقلابی خلق نفی گشت. دیگر با سخن از چریکی بود. جوانانیکه در سالهای ده در بند مسائل منحنی تفریحی و در جو غیر بی پروا می یافتند خود را با مسائل جدیدی روبرو کرده سکوت در میان مردم دریده شده و سکوت دستگاهی تبلیغاتی ارتجاع نیز مقارن آن شکسته ارتجاع دست ندرنده امپریالیسم قادر نبود از ت و آرامش مردم سخن پراکنی کند و مبارزه ای علیه چریکی پرداخت و این مبارزه را امکان به زمینه ها ادامه میدهد. وارد آوردن ضربه ی رژیم، ایجاد جو سیاسی، جلب عناصر آماده گیلان و اثبات امکان مبارزه، بردن عنصر مبارزات و اصل آشتی ناپذیری با دشمن بار دیگر مردم و طرح جلی آن از دستاوردهای مبارزات پیشاهنگان انقلابی میهن ماست.

جو ایجاد شده سیاسی آن زمینه ایستکه برای و در مراحل بعدی ضرورت داشته و بمبارزین میدهد بنوعیه سازمانهای خود پرداخته و هرچه باتوجه رابطه برقرار کنند. امروز اغلب میدانند یکجا چه میگویند و چه میخواهند. میدانند که مسائل قانونی در دستور کار مبارزات عناصر ضد امپریالیسم و یا مارکسیست قرار ندارد. نهای انقلابی، هرچه وسیعتر برای مردم و در این برای عناصر آماده تر مطرح است و آنان را جلب

شک نیست که این نتایج آسان بدست نیامده و مبارزان انقلابی قیمتی بس گران برای آنها نماند. صدها انقلابی آگاه و رزمنده تیرباران شده. زیر شکنجه های «ساواک» جان سپردند. اعتماد مردم بسازمانها و گروههای انقلابی ایش است. این مسئله از نقطه نظر تاریخ سیاسی دهه اخیر نقش بسیار مهمی را بازی میکند. که سالهای سال از طرف رهبران خود در چنگالهای اهلای پلیسی تنها گذاشته شده بودند، مردمیکه انوائی و عجز رهبران بعد از مصدق بروشنی شده بودند، مبارزینی که بین خود و رهبران، یا گوشه نشینی هیچ رابطه ای حس نمیکردند و نا از خود نمی دانستند، امروز با پیشاهنگانی هستند که در پیشاپیش همه پرچم مقاومت و با برافراشته بجای لاف رهبری زدن، پیشگام تا میدانهای تیر و شکنجه گاهها شده اند.

نیکی بجای ابراز عجز و ضعف گروهی، مقاومت بی نا نشان داده اند. انقلابیون راستینی که نه از چنگال دشمن بلکه در چنگال او از اهداف خود دفاع کرده اند. شاید بجز آن بتوان گفت سخته مقاومت و مبارزه این رزمندگان انقلابی در ایران کم نظیر است. تاریخ مقاومت و مبارزه ما نظیر وارطانها، روزبهها، فاطمی ها کم ندارد. یک چنین پایداری یکدست و همه جانبه تمام آن و ادامه آن در بدترین شرایط خفقان بی نظیر زمانیکه این مبارزه اوج گرفت برای اکثر مبارزان پس در خارج از کشور غیر قابل تصور بود. هرگز تصور نمیکردند که صدها مبارز و دانش

و آگاه سرگرم کار سازماندهی طولانی و رشد نظری خود هستند. وجود سازمانها و گروههای این چنین بمخیهها خطور نمیگردد. چه بسیار بودند افرادی که گمان داشتند که جنبش در داخل کشور منتظر نسخهها و یا شرکت ایشان است تا کار ابتدائی خود را آغاز کند. حال که مسئله روشنتر شده است و می بینند که «رهبران خود نامیده خیالی» در خارج از کشور در بهترین حالت میتوانند امروز در مبارزات داخل، یک عنصر ساده و صمیمی و انقلابی باشند، بنای ساخته شده در ذهنشان فرو میریزد و پس از مدتی سردرگمی بایراد گیری می پردازند. بسیاری دیگر در رود روئیهای اخیر بمشکلات و خطر کار انقلابی در داخل کشور آگاه شده اند. اگر تا دیروز پایه تصوراتشان را شعراهای چند تشکیل میداد امروز واقعیتها را در مقابل دارند. اگر در گذشته گمان میکردند که مردم منتظر این ناجیان فیم و قسادر هستند و باستقبالشان خواهند شناخت، امروزه میدانند که مشکلات کار انقلابی و خطر آن تاچه درجه ای است. از نیرو ناتوان و غیر مصمم بدنیا تحلیلپایی میگردند که این اعمال خطرناک را در تئوری رد کنند و ناتوانی خود را توجیه نمایند.

افرادی که با چنین درکی از مبارزه وارد میدان میشوند بایدان را ترک کرده یا بجناب ارتجاع ملحق میشوند و به تئوریهای مختلف خود ادامه میدهند. در شماره های قبل باختن امروز ما در مورد برخی از این افراد که تحلیل نادرست از مناسبات تولیدی نیز داشته اند، سخن گفته ایم. در اینجا اشاره به مشکل بودن مبارزه در ایران و تحمل قربانیهای فراوان برای کار انقلابیست. پایداری و رزمندگی عناصر انقلابی پیشاهنگ در مرحله تدارک علاوه بر اینکه اعتماد مردم و بخصوص عناصر آماده ای را که در گذشته با خیانتها و ضعف های رهبری سازمانهای سیاسی روبرو بودند بخود جلب میکند. ضمنا باعث میشود که اصل طولانی بودن و دشوار بودن مبارزه هرچه جدی تر طرح شده و عناصر ضعیف را تصفیه کند. این دو در کنار هم انجام میگیرد و جنبش را اعتلائی نوین میبخشد.

خلاصه کنیم - عملیات مسلحانه گروهها و سازمانهای انقلابی رزمندگان در شرایط سخت ترور و اختناق پس از سازماندهی مخفی آغاز شد. آغاز آن بطور عمده از طرف ارتجاع تحمیل شده بود و این مسئله باعث شد پس از ادامه مبارزه با قربانیهای فراوان صبر باشد. سازمانها و گروههای رزمندگان تنها بعمل مسلحانه دست نمیزدند بلکه در کنار آن بسازماندهی و استتکام تشکیلات خود مبارزت میوزیدند. شرایط ترور و رسوخ بی اعتمادی و ترس و روحیه غیر سیاسی در توده (رسوخ فرهنگ منحنی ارتجاعی) اقتضا میکرد که در مرحله مشخص اصل سازماندهی مخفی و درگیری مسلحانه هرکجا که ضرورت داشته باشد و بتواند بهدفعهای سیاسی رزمندگان در بیدار کردن توده و شکستن ظلمت ضعف او کمک کرده و ازسویی دیگر افسانه قدر قدرتی رژیم را بطور مؤثر درهم شکند و دفاع مسلحانه هرآینه که تحمیل شود، اساس کار انقلابی قرار گیرد. سازماندهی مخفی الزاما و در همه حالات فقط، برای انجام عملیاتی چند نیست بلکه عملیات مسلحانه در خدمت هدف سیاسی و بعنوان جزئی از کل مبارزات سازمانهای رزمندگان است. هدف از عملیات چریکی سقوط و بندهست گرفتن ماشین دولتی نیست و نمی تواند باشد، بلکه هدف جلب توده، توسعه تشکیلات، پیداکردن رابطه و کار در میان طبقه برای مرحله ایجاد تشکیلات سیاسی و پیشرو کار انقلاب است. عملیات چریکی در مرحله تدارک تداوم و اوج می پذیرد. در مراحل بعدی عملیات مسلحانه میتواند در خدمت استراتژی تشکیلات رهبری کننده پیشاهنگ طبقه که از پشتیبانی توده برخوردار است در یک جنگ درازمدت برای وارد آوردن ضربه بپایگاههای شهری دشمن مورد استفاده قرار گیرد و یا در مرحله قیام، نیروهای دشمن و نظم او را مختل سازد. مبارزات مسلحانه و انقلابی سازمانها و گروههای رزمندگان در خدمت مرحله تدارک دستاوردهای بسیار گرانبها برای خلق ما داشته و عامل قهر، قهر مسلحانه را هرچه بیشتر در صفوف مبارزان مطرح ساخته است. در شرایط مشخص امروز میهن ما میتوان گفت که سازمانها و گروههای انقلابی از مرحله ای که عمدتا کار تشکیلاتی مخفی و وسعت بخشیدن سازمان را در خود دارد، خواهد گذشت. باجلب توده ها کار سیاسی و رسوخ بینش انقلابی تاریخساز پرولتری بیش از پیش مطرح خواهد شد.

تبلیغ مسلحانه دست خواهند زد و درآینده با قدرت و وسعت جدید سازمانی و با استفاده از هر ناهمگونی و نترزل رژیم ضربات سیاسی شدیدتری را وارد خواهند ساخت. این روند که بشکل خط مستقیم نیست، روند مبارزاتی درایران است. لازم است که در آخر مقال یاد نکته دیگر را نیز ذکر کنیم. طیف مخالفین مبارزات مسلحانه در ایران طیف وسیعی است این طیف از مخالفین مغرض مبارزات داخلی کشور تا منقدین این مبارزات را در برمیگیرد. مخالفین مغرض که با تحریف از هدفها و نوشتهها با متد جعل جملات آغاز میکنند، به رد کامل و نفی کامل مبارزات داخل کشور میروند و با اصطلاحاتی مانند آنچه که رژیم در مورد مبارزات مورد استفاده قرار میدهد، میخواهند این مبارزات را آلوده کنند. دیگر مخالفین یا با تعریف از انقلابی بودن چریکی آغاز میکنند و برای قربانی شدن آنان بسوزی می نمایند و یا بدادن نسبتیهای ماندند برانگیختن توده با مبارزه مسلحانه، «جنگ توده ای نه جنگ چریکی» و غیره میخواهند اصل مسئله را نفی کنند. در جواب باین افراد باید گفت که در ابتدا نوشته های چریکی را با دقت مورد مطالعه قرار دهند و ثابا در تحلیل های خود باید باین ستوال جواب بدعند که آیا عملیات مسلحانه اساسا برای رسیدن بهدیفیاتی که بازگو کردیم و در شرایط امروز ایران و در مرحله تدارک انقلابی است یا ارتجاعی؟ مسأله از شرایط مشخص و از تجربیات چند ساله مبارزه مخفی در داخل ایران صحبت میکنیم و نه از شرایط چین یا شوروی. ثالثا وظیفه عناصر، گروهها و سازمانهای سیاسی و مترقی مارکسیستی و غیر مارکسیستی در این مرحله و در بر خورد مبارزات درون کشور چگونه باید باشد؟ انتقاد مبارزات ایران بعنوان کار عمده یا دفاع از آن و حمله بر رژیم شاه؟ آیا میشود خود را هرچند صمیمی پشت سپر انتقاد مخفی ساخت و در شرایط امروز حمله بمبارزین انقلابی را آغاز کرد؟ آیا این سیاست و ادامه آن ارتجاعی بمعنی دقیق کلمه تحت هر شعار و یا ابرازات دلسوزانه ای که صورت گیرد نیست؟ کسانیکه اینهمه در حرف دم از مبارزات و وابستگی خود به نظریات و تحلیلهای چپانسهول انقلابی میزنند تاریخ این مبارزات و موضع گیری انقلابیون راستین را حتی در زمانیکه منقدانه بایک جریان انقلابی روبرو بودند نمی شناسند.

افرادی که امروز باشعار برخورد علمی و انقلابی همانکاری را میکنند که ارتجاع خواستار آنست، در این سیاست خود مورد استفاده تبلیغات رژیم قرار گرفته اند. متأسفانه ما قادر نیستیم در صفحات باختن امروز بطور دقیق و تحلیلی بکلیه نظریات منقدین و منافقین برخورد کنیم و این وظیفه بردوش ما خواهد ماند تا در جایی دیگر مفصلا بامدعیان بگفتگو بنشینیم و در این تشریه تنها بمسائل عام و اشاراتی بنظریات نادرست بسنده کرده ایم.

نبرد انقلابی در میهن ما ادامه خواهد داشت و از کوران شدید حوادث و رویدادهای مختلف بیروزمندان بیرون خواهد آمد. نبردی که امروز در میهن ما جریان دارد یک نبرد تاریخی است، شیوههایی که رزمندگان بکار میبرند ضروری و باتوجه بشرایطی است که راههای دیگر مبارزه را مسترد کرده است. رزمندگان که سلاح برکت بتدارک انقلابی مشغولند پیشاهنگان نبرد انقلابی خلق و در جهت زمینه سازی برای پیروزی هائی فرادیند. حماسه ای را که اینان خلق کردند در سرنوچه تاریخ مبارزات انقلابی ما برای همیشه نقش خواهد بست و خلق ما پاس فرزندان رزمندگان خود را میدارد. وظیفه ما و همه مبارزین آگاه ضد امپریالیست است که با همه قدرت مبارزه علیه شیوه های لیکن پراکنی و تحریف و دروغ ارتجاع در مورد مبارزات بحق سازمانها و گروههای رزمندگان برخیزیم. رژیم شاه را افشاء کرده و بمبارزین انقلابی کمک رسانیم. هدفهای رزمندگان، حماسه و مقاومت و مبارزه آنانرا در سرتاسر جهان پخش کنیم. با هر وسیله ای که میتوانیم مبارزات انقلابی را دامن بزنیم. هرگونه کار در میان توده، انتخاب هر شیوه درست مبارزه علیه رژیم، افشاکاری وسیع و پخش خبرها و شرح مبارزات داخل کشور، کمک بمبارزه انقلابی است. با استفاده از هر امکان و وسیله باید در مبارزه شرکت کرد. طیف کمک بمبارزان از شرکت مستقیم در مبارزه انقلابی شروع میشود و تا تبلیغ و دفاع از مبارزات و افشاء رژیم ادامه دارد. در این مبارزه تماشاگر نمی توان بود. بکوشیم پرچم مقاومت و مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه را افراشته نگهداریم. با حمایت از مبارزات انقلابی داخل کشور.

## سازمانهای چریکی و انقلابی ایران توطئه رژیم را بهمناسبت جشن ضد انقلاب با صدور اعلامیه و هشدار ب مردم در دی ماه افشا کردند .

### اعلامیه چریکهای فدائی خلق

همانطور که تمام هم میهنان اطلاع دارند ، دستگاه دولت دست با اجرای برنامه وسیعی بمنظور ایجاد یأس و بدبینی در مردم نسبت بمبارزین انقلابی زده است . مجریان این برنامه عبارتند از کارگزاران رادیو و تلویزیون ، وگردانندگان مجلات و روزنامهها که همگی در ماه بین ۱۵۰۰ تا ده هزار تومان از طرف سازمان امنیت ، تحت عنوان حق القلم ، اصدافه موجب دریافت میدارند . طبق بخشنامه دولت این مجریان برنامه های تبلیغاتی موظفند برنامه دیگری را که در کارخانجات ، ادارات و مدارس بازور و تهدید اجراء میشود ، بنحوی موثر بابوق و کرنا منعکس نمایند . از طرف دیگر سازمان امنیت دست بابتکارات دیگری نیز زده است از جمله اینکه در تاریخ ۹-۸-۵۸ نایشی در کارخانجات مونتاژ اتومبیل ایران ناسیونال که متعلق به شاه و دربار است ترتیب دادند . یکی از سرپرستان منصوب شده از طرف دستگاه ، کارگری که از سازمان امنیت نیز حقوق میگرفت ، قبیل از تعطیل کارخانه در زیر یکی از اتوبوسهای سرویس کارگران یک بسم ساعت شمار قرار میدهند . پس از پایان ساعت کار و هنگام سوار شدن کارگران با اتوبوسها همین فرد ظاهر میشود و وجود بسم شده و بسرعت باداد و فریاد دیگران را از اطراف اتوبوس پراکنده میکند . سپس مامورین پلیس که از قبل طبق برنامه آماده شده بودند به کارخانه آمده و باصطلاح بسم ساعتی را خنثی میکنند ، سپس افراد تربیت شده سازمان امنیت که بصورت عضو روابط عمومی و یا سرپرست کارگران مشغول خدمت هستند کارگران را جمع کرده و بر طبق رونوشت سخنرانیها از پیش تعیین شده بکارگران اطلاع میدهند که این بسم را خرابکاران (طبق بخشنامه دولت در تابستان ۵۰ ، چریکهای انقلابی باید تحت عنوان خرابکار نامیده شوند) کار گذاشته بودند وهدف آنها کشتار کارگران بوده است . با اجرای این خیمه شب بازی آنها

کوشیده اند که بکارگران الفاء نمایند که انقلابیون که همه چیز خود را فدای کارگران و خلق خود کرده اند ، افرادی جنایت پیشه و ضد کارگر هستند . البته این سایش با موفقیت مواجه نشد و کارگران آگاه این دلقک بازی را مستخره گرفتند ولی بهرحال این توطئه نشانه یک سری توطئه های متوالی و خونین میباشد ، بنا بااطلاعات واصله رژیم قصد دارد برنامه های دیگری را از قبیل انفجار بسم در صفوف دانش آموزان دبیرستانی و کارگراییکه باجبار باید در برنامه های نظاهرات ششم بمن شرکت کنند ، دست بزنند تا بتوانند از عوارض این عملیات بهره برداری ضد انقلابی بنمایند . ما ازپیش ب مردم تهران هشدار میدهیم که در روزهای اول تا ششم بمن حتی القنود از خانه های خود خارج نشوند و بخصوص از خروج اطفال دبستانی و جوانان دبیرستانی از منزل بشدت جلوگیری کنند .

بامید شکست توطئه های شاه وطن فروش .  
با ایمان به رهائی خلق ایران از چنگال بیگانه پرستان .

نشانی پستی  
P.O. Box 7229  
Beirut, Lebanon  
نشانی بانکی  
Chase Manhattan Bank  
Beirut, Lebanon  
Account L-15896

تهام  
ایران ۲ ریال  
لبنان ۱۵ قروش  
عراق ۱۰ فلس  
کویت ۱ فلس  
ترکیه ۲۵ قروش

بسم الله القاصم الجبار - بنام خداوند درهم کوبنده ستمگران

آدمکشان شاه در هفته اخیر عدهای دیگر از فرزندان انقلابی خلق ما را آماده قربانی کردن بیای منافع غارتگرانه خود ساخته اند . بزودی خون این دلاوران را بر خاک ایران عزیز خواهند ریخت . آدمکشان شاه بمنظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم هرچند گاهی با آغشته ساختن دستهای خود بخون فرزندان دلاور خلق تحت ستم ما میخواهند بند ترس و تسلیم را در دل خلق بکارند . کارشناسان روانی این غارتگران خونخوار تصور میکنند که باربختن خونهای پاک بویژه بدنبال جار و جنجالهای نیرنگ آمیز و عدهای پوچ و توخالی خواهند توانست در دل خلق تخم ترس و وحشت بکارند و قدرت مقاومت و پیکار را از او سلب کنند . پس بجدلیل نیست که دست بدنبال تظاهرات خائنه و ضد ملی ۱۱ اسفند سال گذشته خون رفقای دلیر ، مهدی سوالونی ، عبدالکریم حاجیان ، یمن آژنگ ، غلامرضا گلوی را بر خاک ایران عزیز میریزند و دست بلا فاصله بعد از جار و جنجالهای تبلیغاتی که بوسیله خائنین خود فروش و هرزه ایکه بصورت آلت فعل خائنین و منفور شاه در پشت صفحه تلویزیون و بوقهای جهمی تبلیغاتی شاه میرازات خلق ما را بمسخره میگیرند ، رفقای دلیر مهندس علی باکری ، مهندس ناصر صادق ، مهندس علی میهن دوست و بازرگانی را بچوبه تیر می بندند و باز بدلیل نیست که شاه خائن درست مصداق با ورود اربابش نیگسون جنایتکار خون رفقای دلیر مهندس محمد حنیف نژاد ، مهندس علی اصغر بدیع زادگان ، مهندس سعید مجسن ، مهندس رسول مشکین فسام و رفیق دلاور محمود عسکری زاده را بیای ارباب جنایتکارش میریزد . از جار و جنجالهای اخیر دستگاههای تبلیغاتی شاه بازمه یوی خون بشمام میرسد و بازمه زود و سرتیزه خلق ستمدیده و داغدار مارا برای پایگویی و دست افشانی در این جنایت خونین تحت فشار قرار داده اند . ما در روزهای آینده شاهد خواهیم بود که در هیاموی خیمه شب بازی شاه خائن سینه های سرشار از عشق بخلق اربابهای شاه خائنه بدشمنان خلق را سوراخ و سرشار از کینه مقدس بدشمنان خلق را سوراخ و سوراخ خواهند کرد ولی دشمن بایستی بدانه همه این خونهای پاک بهای ناچیزی هستند که خلق ما برای پیروزی بردشمنان می پردازد . خون هر دلاوریکه بر زمین میریزد کینه ها را ناب تر ، عزم ها را برای نبردیکه همه غارتگران را به هلاکت خواهد کشید استوارتر خواهد ساخت . در کنار تدارک این جنایتها و برای کامل کردن آن و بمنظور ایجاد یأس و بدبینی نسبت به جنبش مسلحانه و پیشاهنگان مسلح خلق طبق سند بدست آمده آدمکشان شاه قصد دارند با انفجار بسم در صفوف دانش آموزان و زحمتکشان انقلابیون را مورد تهمت قرار دهند . ما با افشای این توطئه خائنه و خونین به همه هشدار میدهیم که شاه این بار قربانیانش را از میان دانش آموزان بیگناه انتخاب کرده است . هموطن با جلوگیری از شرکت فرزندان معصومت در این خیمه شب بازی خونین توطئه های شاه خائن و مزدور را ناکام بگذار چه بسا این قربانی فرزندان معصوم تو باشد .

حکومت مزدوران برجیده بد  
جنبش مسلحانه شکوفان باد

### بقیه اخبار

روزنامه های وابسته رژیم در دوشنبه ۱۶ مرداد ۵۸ نوشتند که انقلابیون در کنار سینما کاپری بسم منفجر کردند و ۰۰۰ لازم است بااطلاع برسد که دو نفر از مجاهدین که میخواستند بسم را در يك مؤسسه اسرائیلی کارگزاری کنند ، در کوچه بهرام واقع در پشت سینما کاپری مبادرت بسم تنظیم مدار بسم میکنند که متاسفانه در دست سعید صفار منفجر میشود و رفیق دیگرش نیز تا حدی زخمی میشود . بنابراین داستان سرائی رژیم از جمله درباره تعقیب شوفر تاکسی و بسم گزاری مجاهدین در پشت در سینما دروغ است . مردم میهن ما باید آگاه باشند که بسم گزاری در اماکن عمومی مثل پشت سینما و همکاری مردم برای دستگیری انقلابیون اتهامات بی اساسی است که شایسته رژیم مزدور شاه و اربابانش میباشد .

یک گروه انقلابی که تعداد آنها در حدود بیست نفر میباشد در اهواز و بهبهان کشف و دستگیر شده اند که آقایان صادقی و شقیمی از این گروه میباشدند و از بقیه افراد اطلاعی در دست نیست .

شیشه های ساختمان شهر در فاصله ۸۰ متری محل سجاد قرار داشت ، شد .  
● هشتمین بسم ساعتی که در ساعت ۸/۵ صبح هفتمین روز در قسمت جلوی ساختمان کلانتری ۹ واقع در میدان بهارستان کارگذاری شده بود منجر شده و خساراتی وارد آورد  
● هشتمین بسمهای ساعتی که از نوع آتشزا بودند در ساعت شش صبح هفتمین روز در سینما پولیدر و سینما رادیوسیتی کارگذاری شده بود و منجر به آتش سوزی در این سینماها شد که بعد علم توسعه کامل آتش فقط منجر بسوختن تعدادی از صندلیهای سالن شد و با تلاش مأمورین آتش نشانی خاموش گردید .  
هدف اصلی ما از آتش زدن این دو سینما که برای اولین بار (بعنوان سینما) هدف حملات ما قرار میگرفتند ، برهم زدن تظاهرات و اجتماع اوباشان «سازمان امنیت برای دشمنان خلق» بود که در همین روز قرار بود تحت عنوان اطاق اصناف در این محل برگزار شود .

ششماه روز شنبه ۷-۱۱-۵۸ / ۲۷-۱-۵۸  
● هفتمین بسم که يك بسم صدا دار غیر کشنده بودگاه تریای هتل انترناسیونال را بلرزه درآورد . هدف از این انفجار متوجه ساختن اتباع خارجی نسبت بسا جنایاتی بود که رژیم خونریز آریامهر در ایران نسبت بخلق و انقلابیون مرتکب میشود و با توطئه سکوت دستگاهی خبرگزاری چیره خوار و روزنامه های خائنی درباری و رشوه دادن به خبرگزاریهای خارجی سعی در جلوگیری از افشای آنها دارد .

کلیه هدفهای پیش بینی شده با موفقیت کامل مورد حمله قرار گرفت و از آنجا که در انتخاب زمان و مکان و نحوه عمل پیش بینی های لازم صورت گرفته بود ، در هیچیک از این حوادث تلفات جانی بکسی وارد نیامد .

صدای هر طنین بمبهایی که در روزهای جشنهای خیانت بار محمد رضا شاه قاتل تهران را بلرزه در آورد ، فریاد رزم آوری خلقی بود که در زیر سیاهترین دیکتاتورهای تاریخ میسوزد اما هرگز با آئی سازش نمیکند و لحظه ای از پیکار تا پیروزی نهائی دست برنمیدارد انفجارهای برطنینی که تهران را بلرزه در آورده بود و آنهم در زیر شدیدترین کشتلهای پلیسی ممکن ، نشانه حضور فعال انقلابیون دلاور و هوشیار است که بعد از دو سال پیکار خونین و دادن قربانیهای انبوه امروزه مصمم تر از پیش و سرشار از روحیه رزمندگی ، برآمید و توانا میخروشند و پیش می تازند . در این میان بر معنی تر از هر چیز تلاش رژیم در جلوگیری از پخش اخبار مربوط به عملیات انقلابیون است و این نشانه آشکار وحشت رژیم خونریز آریامهری از تأثیرات امید دهنده ، آگاه کننده ، تشکله دهنده عملیات انقلابی بر نیروهای مبارزه است .

با اینکه انقلابیون نمیتوانند بسرعت و وسیعاً اخبار عملیات انقلابی را بگوش خلق خود برسانند ، علاقمندی و پیگیری خلق مبارز ما در بخش این خبرها عامل شکست توطئه سکوت دستگاههای چیره خوار پخش خبر دولتی بوده است که طبق دستور شاه وظیفه دارند از انتشار هرگونه خبر مربوط بسم پیروزی پیشاهنگان مسلح خلق خودداری کنند و در عوض با صحنه سازیها و دروغ پردازیها و توطئه های شیطانی از هر حادثه و یا شکست ، بمنظور ایجاد یأس و بدبینی در مردم استفاده کنند . در چنین شرایطی تلاش در پخش اخبار مربوط بسم جنبش مسلحانه بهر طریق ممکن چه از طریق بخش دهان بدهان و چه از طریق تکثیر و پخش بیانیه های انقلابی بک وظیفه انقلابی است . خصوصاً تلاش در افشای توطئه های خونین آدمکشان شاه نقش مهمی در ناکام گذاشتن این توطئه های خونین خواهد داشت . همچنانکه انقلابیون با افشای خبر مربوط به نقشه جنایتکارانه ای که آدمکشان شاه بمنظور کشتن اطفال دانش آموز و کارگران زحمتکش تدارک دیده بودند توانستند دستهای توطئه گران جنایتکار شاه را از پیش بندند و نقشه های شیطانی و خونین آنها را ناکام بگذارند تا آدمکشان نتوانند با انجام این جنایات انقلابیون دلوری که همه چیز خود را در راه خلق خود فدا کرده اند مورد تهمت و بدنامی قرار دهند و آنها را در پیشگاه خلق خود بی اعتبار سازند .

گرامی باد خاطره شهیدان قهرمان راه آزادی و سعادت خلق ، ننگ و نفرت بر شاه مزدور بیگانه پوست ، جنبش مسلحانه خلق ایران شکوفان باد .  
«مجاهدین خلق ایران»  
۸-۱۱-۵۸